

خیلواکی



استقلال

www.esteqlaal.net

پنجشنبه ۰۹ جون ۲۰۲۲

فریده نوری

کمک به نیرو های امنیتی

نویسنده: Dr. A. GIUSTOZZI

مترجم: فریده نوری

بررسی مداخلات اخیر نشان دهنده این است که غرب باید از ماموریت شان در مورد کمک به نیروی های امنیتی خارجی، باز دید دوباره نماید.

بعد از از ترس، هراس و وحشت، سر و صدا ها و عناوین درشت در رسانه ها، وقت آن رسیده است که باید غرب نتیجه بیست سال حضور و تعهدات شان را در افغانستان بررسی نمایند. فعلاً تلاش ها برای همین منظور در بین ممالک عضو ناتو در جریان می باشد، تا ماموریت تأسف بار و ناموفق ناتو در افغانستان را از چندین جهت و بصورت دقیق مورد آزمایش قرار دهند، تا بتوانند در مورد موعد ماموریت های فعلی که در جریان است و هم در ماموریت های آینده بیرونی یا خارجی یک نظر مناسب کمک به نیرو های امنیتی را دریافت نمایند.

در افغانستان یکی از اجزای مهم اولین ماموریت ناتو، ماموریت کمک به نیرو های امنیتی افغانستان (ISAF) بشمار می رفت، که در بین سال های ۲۰۰۲ الی ۲۰۱۴ دوام داشت و بعد ماموریت پشتیبانی مصمم و قاطع ((Résulte Support (R.S)) از سال ۲۰۱۵ الی ۲۰۲۱ . متلاشی شدن سریع قوای امنیتی افغان در نیمه ماه اگست ۲۰۲۱ نشان دهنده این است که هیچ کدام از این ماموریت ها نتیجه مثبت در قبال نداشت.

منشأ واضح این ناکامی و شکست:

ارزیابی در این مورد توسط مامور خاص بررسی در امریکا شروع گردیده است. روشنی که یک تعدادی از اعضای قوای امنیتی افغان در این مورد می اندازند، عبارت است از این که متلاشی شدن سیاسی سبب متلاشی شدن قوای نظامی گردید.

در حقیقت در تمام مدت طولانی از ۲۰۰۱ الی ۲۰۲۱ رقابت های سیاسی سبب برهم زدن اصلاحات در تشکیل دوباره سکتور های امنیتی گردید.

موجودیت اختلال در جمهوری اسلامی افغانستان سزاوار این است تا بررسی و تحلیل دقیق گردد. اما درسی را که از این ناکامی می آموزیم این است که وقتی می خواهیم در ممالکی که شامل درگیری اند و یا نو از آن خارج شده اند کمک به قوای امنیتی و اصلاحات در سکتور های امنیتی را از همه جهات مورد مطالعه قرار دهیم. مانند محیط سیاسی، شورشیان، تروریست ها، شرایط جغرافیایی و همچنان از نقطه نظر لوژیستیکی و غیره.

افغانستان یک مورد استثنایی نیست، بدون شک سیاست داخلی و محلی و رقابت ها یک فکتور یا عامل مهم در ناکامی این ماموریت به شمار می رود.

در مورد ماموریت های کمک و امنیت (ISAF) و ماموریت قاطع (RS) در افغانستان جناح های سیاسی همواره و به صورت مداوم می کوشیدند تا سران نظامی، پولیس و استخبارات را به نفع خود جا به جا کنند که این رقابت ها دلیل مختل ساختن در داخل وظایف قوای امنیتی افغان گردید، زیرا جناح مخالف اکثراً از همکاری سر پیچی می نمودند به همین دلیل متلاشی شدن اسفبار آنرا در نیمه اگست سال ۲۰۲۱ مشاهده نمودیم.

بدون در نظر گرفتن سیاست محلی ماموریت کمک به امنیت غیر ممکن است، در این هیچ جای شک وجود ندارد که نظامیان غربی ظرفیت مراقبت، نظارت و ارزیابی دقیق از انکشاف سیاسی محلی را ندارند.

در افغانستان و هم در دیگر ممالک در گذشته مشاهده گردیده که همیشه ناتو بالای تلاش های دیپلماتیک و بالای سرویس دیپلماتیک ممالک عضو و همچنان سرویس استخباراتی تکیه نموده است. (البته سخت است که حقیقت را ارزیابی کرده بتوانیم).

اساساً دیپلمات ها برای رهبران نظامی در مورد سیاست محیطی مشوره می دهند، مگر در افغانستان رهبران نظامی فکر می کردند که محیط سیاسی برای شان اهمیت نداشته و باید هر چه زودتر به هدف خود پیشروی نمایند.

ماموریت کمک به قوای امنیتی در دراز مدت، اگر آنقدر طولانی مانند افغانستان هم نباشد، تقریباً همیشه با یک نوع برخورد با دولت میزبان مواجه می شود.

یک درس مهم از این تجربه تأسف بار آموخته شد که باید طریقه، شیوه و توانایی ها شناسایی گردد تا در مقابل دولت میزبان مقابله مؤثرتر باشد.

چند نوع امکانات برای کاهش دادن سیاسی خطر احتمالی:

- داشتن ظرفیت برای عمل نمودن سریع، زیرا ارزیابی بحران سیاسی ضرورت به جواب سریع دارد.

- تمرکز اقتدار سیاسی و نظامی در یک نهاد واحد.

زیرا اکثراً دیپلمات‌ها به اندازه کافی قابلیت این را ندارند که یک بحران را حل نمایند و هم رهبران نظامی نیز ظرفیت مقابله با مشکل سیاسی را به تنهایی ندارند.

- انکشاف دادن و حفظ نمودن یک معلومات سیاسی و دیپلماتیک موازی به استخبارات امنیتی و نظامی.

با این همه این دلالت نمی‌کند به اینکه تنها انکشاف یک سیستم اعلان خطر، قادر باشد تا یک بحران قریب الوقوع و یا آنی را شناسایی نموده و احتمالاً از طریق مداخله دیپلماتی آن را حل نمود.

بحران‌های سیاسی در ممالکی که در آن‌جا درگیری‌ها و شورش در جریان می‌باشد و یا به دلیل درگیری‌ها در آن‌جا تأسیسات و تشکیلات قوی هنوز موجود نیست، ماموریت کمک دراز مدت به قوای امنیتی، حتی اگر مانند افغانستان دراز هم نباشد کاملاً واضح و هویدا ست که دیر یا زود به مبارزه دولت میزبان می‌انجامد.

این مبارزه اگر به صورت متناوب و یا متقاطع هم باشد سبب اختلال زیاد در ریفورم‌های انجام داده شده در سکتورهای امنیتی و ملکی می‌گردد.

بحران اخیر در افغانستان نشان دهنده این است که مطابقت دادن طرح یا مدل امنیتی به نورم یا معیارهای غربی با خطرات احتمالی بحران سیاسی مواجه می‌باشد.

ادامه دارد